

روایت حمیدرضا عینی از «میزبانی برنرها»



یک هنرمند می‌گوید: من سعی می‌کنم در آثارم نوعی ابهام و جود داشته باشد، زیرا صریح‌گویی‌نزد ایرانیان جایگاهی ندارد. نمایشگاه آثار حمیدرضا عینی با نام «میزبانی برنرها» در گالری فرمانفرما برپاست. در این نمایشگاه ۱۰ مجسمه برنزی، به همراه یک چیدمان به نمایش درآمده‌است.

حمیدرضا عینی در گفت و گو با هنر آنلاین درباره این مجسمه‌ها که اغلب فرم حیوانی دارند، گفت: انسان قبل از اینکه دارای خودشناسی و تاریخ شود و راه خود را از سایر موجودات جدا کند، حیوانات را تقدیس می‌کرد و تصاویری که در غارها وجود دارد نشانه تکریم موجودات مختلف توسط انسان است.

او با بیان اینکه تغذیه، دفاع از جان و تولید مثل، ۳ خصیصه مشترک انسان و حیوان هستند، افزود: سال‌های سسال انسان فقط همین ویژگی‌ها را در حیوانات می‌شناخت. اما در سال‌های اخیر محققان با بررسی‌های خود متوجه شده‌اند که بعضی ویژگی‌های انسان در حیوانات هم دیده می‌شود.

عینی ادامه داد: انسان از مرگ و نیستی هراس دارد و دنبال جاودانگی و امتداد زندگی خود است. این ویژگی در تمام داستان‌های کهن و ادیان هم وجود دارد و می‌بینیم که انسان برای تحمل مسأله مرگ، به دنیایی دیگر با شرایط بهتر وعده داده شده‌است. اما در فرهنگ ایرانی همیشه به زمان حال و نو کردن جان، اهمیت داده شده‌است. در آیین کهن ایرانی، انسان به تلاش برای زندگی فعلی خود ترغیب شده و به تازه کردن زندگی دعوت شده‌است.

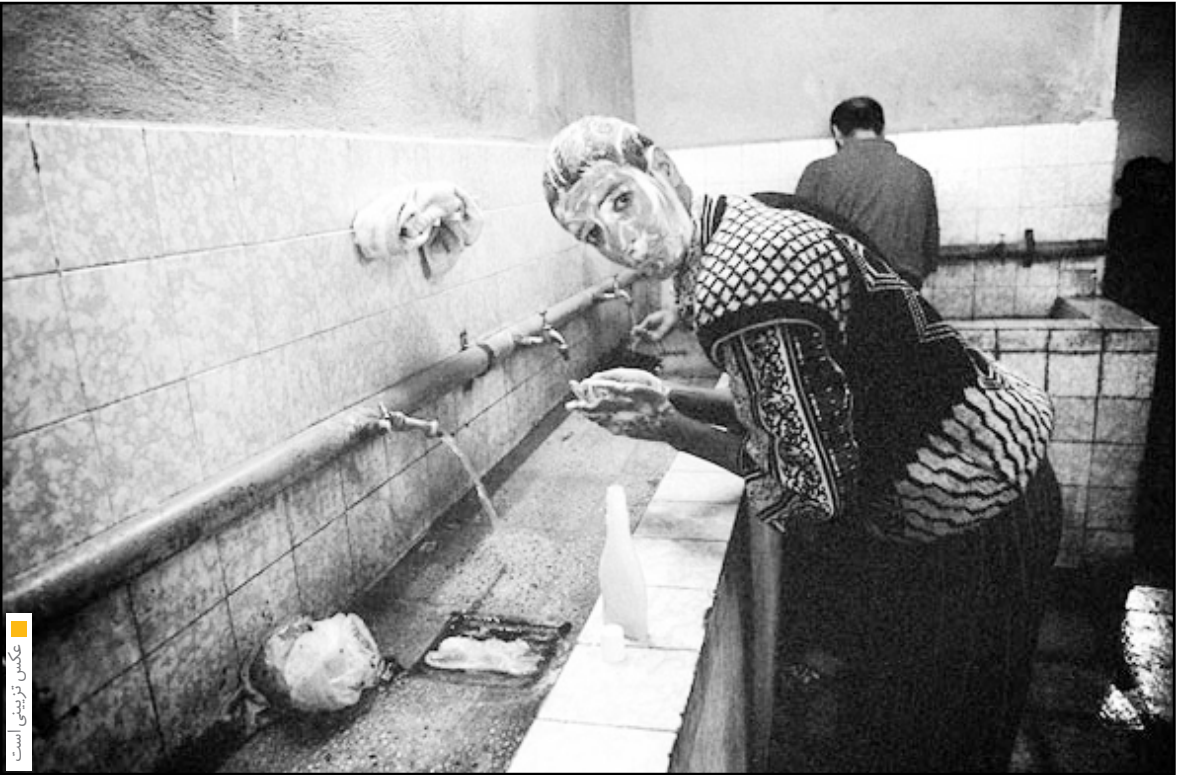
این هنرمند افزود: در آثار من بخش‌هایی از وجوه حیوانات که برای ما جالب است، مورد توجه قرار گرفته و به آنها اشاره شده است. ابزار بیانی من حیوانات هستند اما به تمدن و فرهنگ جهان بشری اشاره دارند. او با اشاره به ترکیبی بودن بعضی از مجسمه‌ها گفت: در مجسمه «شیر اسب» صلابت و روحیه حماسی شیر را می‌بینیم. هبیت و قدرت این موجود و جایگاه خاصی که در فرهنگ و تمدن ایران دارد، در کنار اسب قرار گرفته که موجودی سر به راه است و در همه پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ، در کنار انسان بوده‌است.

عینی با بیان اینکه تعدادی دیگر از مجسمه‌ها از فرم حیوانی خارج شده‌اند، گفت: اثری با نام «کودک درون» به معصومیت انسان در زمان ورود به دنیا اشاره دارد و آنچه ایرانیان کهن در زمینه نیکی سفارش می‌کردند را یادآوری می‌کند. اثر دیگری با نام «خطاط» به پیشینه تاریخی خط در ایران اشاره دارد. من سعی می‌کنم در کارهایم نوعی ابهام و جود داشته باشد، زیرا صریح‌گویی نزد ایرانیان جایگاهی ندارد. وقتی نکته‌ای فاش‌گفته می‌شود، مخاطب به سرعت از کنار آن می‌گذرد. اما زمانی که حرفی غیر مستقیم گفته شود، اشخاص را به توجه بیشتر تشویق می‌کند.

او با اشاره به بخشی از نمایشگاه با نام «دفتر سفید» گفت: همه ما از زمان کودکی دفتر مشق‌هایی داشتیم که بالای صفحات آنها یک خط قرمز و جود داشت و به دنبال آن خط‌های آبی دیده می‌شد. این خط‌ها همیشه منظم و یکنواخت بودند، مگر در زمان‌هایی که بر اثر یک مشکل چاپی، خط‌ها از مسیر مستقیم خود خارج شده و دچار انحراف می‌شدند. من هم این موضوع را بهانه قرار دادم و در ۱۸ فریم، دفتر سفید را با خطوط آبی آن به بازی گرفتم. این صفحات سفید با خط‌های مسوازی و دور از هم، خط‌هایی که به هم برخورد کرده‌اند و در نهایت به هم رسیده‌اند، نشانی از اتفاقات امروز جامعه است. گفتنی است نمایشگاه آثار حمیدرضا عینی با نام «میزبانی برنرها» تا ۲۷ مهر ماه در گالری فرمانفرما برپاست.

بررسی عکاسی مستند هنری به بهانه نمایشگاه «ولیعصر، پوشه اول»

هنری فراتر از ارجاع صرف به جهان



بیان و روایت پیچیدگی‌های شهری بر بستر ظرفیت‌ها و جذابیت‌های هنرهای تصویری است. چگونه می‌شود هنرمند را از دل درگیری خلاق با زندگی روزمره نسبت به رویدادها و فضاهای کلانشهری حساس کرد تا از درون خودش به تاریخ و جغرافیای شهر پل زند و این زوایایی از پیچیدگی‌های گستره شهری را در دل خیابان ولیعصر تهران جست و جو و ثبت کنند. در قسمتی از بیانیه این نمایشگاه آمده است: «ولیعصر؛ پوشه اول نخستین ارائه هماهنگ از پروژه‌های آموزشی و پژوهشی برای شناخت بهتر شهر تهران است. این پروژه، نگاهی متفاوت نسبت به «عکاسی» دارد و در جستجوی زبانی نو برای

بیان و روایت پیچیدگی‌های شهری بر بستر ظرفیت‌ها و جذابیت‌های هنرهای تصویری است. چگونه می‌شود هنرمند را از دل درگیری خلاق با زندگی روزمره نسبت به رویدادها و فضاهای کلانشهری حساس کرد تا از درون خودش به تاریخ و جغرافیای شهر پل زند و این زوایایی از پیچیدگی‌های گستره شهری را در دل خیابان ولیعصر تهران جست و جو و ثبت کنند. در قسمتی از بیانیه این نمایشگاه آمده است: «ولیعصر؛ پوشه اول نخستین ارائه هماهنگ از پروژه‌های آموزشی و پژوهشی برای شناخت بهتر شهر تهران است. این پروژه، نگاهی متفاوت نسبت به «عکاسی» دارد و در جستجوی زبانی نو برای

علیرضا بخشی استوار

نمایشگاه «ولیعصر؛ پوشه اول» با محوریت خیابان ولیعصر، آثار ۱۷ عکاس را همزمان در سه گالری «آبتین»، «آریا» و «ای جی» به نمایش درآورده است. در این نمایشگاه هنرمندان تلاش کرده‌اند زوایایی از پیچیدگی‌های گستره شهری را در دل خیابان ولیعصر تهران جست و جو و ثبت کنند. در قسمتی از بیانیه این نمایشگاه آمده است: «ولیعصر؛ پوشه اول نخستین ارائه هماهنگ از پروژه‌های آموزشی و پژوهشی برای شناخت بهتر شهر تهران است. این پروژه، نگاهی متفاوت نسبت به «عکاسی» دارد و در جستجوی زبانی نو برای

گزارش

نگاهی به نمایشگاه آثار نقاشی ناصر عزیزی

رخدادی بر پایه دو گانه فضا و اثر هنری

بهر روز فائقان

ناصر عزیزی هنرمند نقاش به تازگی مجموعه‌ای نزدیک به ۳۰ اثر خود را در قالب یک رخداد هنری به نمایش گذاشته است. او پس از تجربه ارائه آثارش در نمایشگاه‌های متعدد در سال‌های گذشته که در فضای متعارف گالری‌های تهران به نمایش درآمده، حالا گزیده‌ای از نقاشی‌های اخیر خود را در ارائه‌ای متفاوت در فضای گلخانه شماره ۱۶ در محله توستان منطقه در که تهران بیش روی مخاطبین گذاشته است. فضا، در خدادی که هنرمند این بار به عنوان چالشی در شکل عرضه آثارش طراحی کرده نقش محوری دارد. اما چالشی که در این رخداد شکل گرفته جنبه‌های متعددی را در برمی‌گیرد که جالب توجه و قابل اعتنا به نظر می‌رسد.



شاید بتوان طراحی این هنرمند در مسیر ارائه‌ای متفاوت از اثر هنری را ویژگی اصلی این رخداد تلقی کرد. اولین شاخصه‌ای که فضای ارائه اثر را در این رخداد، دیگرگون از تجربه‌های متعارف مشاهده اثر هنری از سوی مخاطب جلوه می‌دهد، همسان‌سازی تجربه هنری با بستری طبیعی و کمتر مورد مداخله قرار گرفته است. عزیزی در این تجربه فضای ارائه اثر، تابلوهای نقاشی خود را محاط بر فضای گلخانه‌ای که اینک در جایگاه گالری هنری قرار گرفته و بر دیوارهای دور تادور آن چیده است. تا اینجا ی کار او توانسته در نگاه اول بیننده آثارش را در متقاعد شدن از حضور در یک نمایشگاه هنری همراهی کند. اما مخاطب نمایشگاه بلافاصله و همزمان با تصویری ثانوی نیز روبه‌رو می‌شود و اینجاست که احساس تجربه بصری دو گانه و متفاوتی را تجربه خواهد

می‌شود که از ارجاع صرف به جهان فراتر رود، وقتی که پیش از هر چیزی، بدل به حدیث نفس هنرمند شود..»

در بسط معنای این گزاره گفتنی است، عکاسی مستند هنری اشاره به بخشی از عکاسی مستند دارد که به دنبال ثبت صرف نیست. همانگونه که داعیه‌ای بر ایجاد تغییرات اجتماعی نیز ندارد. در این شکل از عکاسی حدیث نفس عکاس اهمیت دارد، یعنی فقط عکاسی کردن از یک فضا و منظره مدنظر نیست؛ بلکه آن فضا در ارتباط با ذهنیت عکاس معنا پیدا می‌کند و عکاس نگاه و برداشت شخصی نسبت به آن فضای خاص را دارد. در این صورت است که عکاس به سمت عکاسی مستند هنری یا تألیف گونه حرکت می‌کند.

شایان توجه است در عکاسی دو راه کلی برای پرداختن به ذهنیات شخصی هنرمند وجود دارد. نخست آنکه عکاس با نظر به هدف نهایی، تصویر ذهنی خود را به شکلی کارگردانی شده جلوی دوربین بیاورد یا آن که با استفاده از واقعیت‌های موجود در جهان اطرافش معادلی نزدیک برای ذهنیت‌های خود بیابد.

عکاس مستند هنری عملاً راه دوم را انتخاب می‌کند. او همچنان بر ثبت واقعیات بدون دست‌کاری و تغییر آن اصرار می‌ورزد اما عملاً دلیل این ثبت نمایان ساختن ذهنیت عکاس برای مخاطبانش است. با بیانیی دیگر عینیات و واقعیات در واقع بهانه‌ای می‌شوند تا هنرمند معادل آنچه در ذهن دارد را در بیرون بیابد. موضوع دیگری که این حیطه از عکاسی را از سایر انواع عکاسی مستند جدا می‌کند بستر ارایه آن است. در گذشته، عکاسی مستند تا حد زیادی وامدار

در عکاسی مستند هنری، حدیث نفس عکاس اهمیت دارد، یعنی فقط عکاسی کردن از یک فضا و منظره مدنظر نیست بلکه آن فضا در ارتباط با ذهنیت عکاس معنا پیدا می‌کند و عکاس نگاه و برداشت شخصی نسبت به آن فضای خاص را دارد

فتوژورنالیسم یا عکاسی مطبوعاتی بود و از بستر مطبوعات برای ارائه و مطرح کردن خود استفاده می‌کرد. به بیان دیگر، اکثر عکاسان مستند به نوعی فتوژورنالیست هم بودند اما به تدریج و با گذر زمان عکاسی مستند مستقل تر شد. از نشانه‌های این استقلال ارائه این عکس‌ها در گالری‌های هنری و چاپ عکس‌های مستند در قالب کتاب است. با ایجاد این تغییر در بستر ارایه آثار، زودگذر بودن و زمان‌مند بودن مطبوعات که از ویژگی‌های بارز این فضا است از عکس‌های مستند هنری فاصله گرفته و به شکلی روشن و تأثیرگذار سبب تأمل بیشتر بر عکس‌ها شده و راه را برای نقد و تحلیل بیشتر این آثار باز می‌کند. با این تفاسیر، این که بگوییم در مقایسه با عکاسی مستند کلاسیک، عکاسی مستند هنری از زمندتر است، به نظر حرف اشتباهی است. سخنی که این روزها تبدیل به یک مد در ساخت عکاسی شده است. این نکته اهمیت دارد که متوجه باشیم گرایش به هر شاخه از عکاسی صرفاً یک انتخاب است. مطالعات جدید در دنیای عکاسی معاصر به ما امکان داده تا از عکاسی برای سرایش شخصی از جهان استفاده کنیم.



به طبیعت و هستی در حقیقت بر در کمان از امور سرپوش می‌گذاریم و پیشنهاد هنرمند چیزی نیست جز ترک عادت واره‌ها و آمادگی بخشیدن در مسیر فهمی تازه و متفاوت از طبیعت و در حقیقت آنچه موجودیت مان با آن به شکلی غیر قابل انکار گره خورده است.

ناصر عزیزی متولد ۱۳۴۹ در تهران، تحصیلات آکادمیک در زمینه نقاشی را از هنرستان هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۷۰ پس از اخذ دیپلم، وارد دانشگاه شد. او در سال ۱۳۷۴ موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه آزاد تهران شد و مدرک فوق لیسانس نقاشی را در ۱۳۷۶ از همین دانشگاه اخذ کرد. او تا کنون مجموعه‌های متعددی از آثارش را در بیش از ۶۰ نمایشگاه از جمله در گالری‌های سیحون، اثر، برگ، ماه، آوا و آرت سنتر به صورت انفرادی به نمایش درآورده و همچنین در چندین نمایشگاه گروهی در ایران و دیگر کشورهای جهان در معرض دید قرار داده است.

می‌شود. به همین ترتیب است که مخاطب در مواجهه با این فضا، خود نیز به درک نزدیک‌تری از چگونگی پدید آمدن و شکل گرفتن اثر هنری دست پیدا می‌کند.

اما از دیگر سسو، درک متفاوت از عناصر طبیعی که در اینجا مشخصاً و به شکلی نمادین بر موجودیت نباتی متمرکز شده، خود را در شمایل یک رخداد به مخاطب عرضه می‌کند. همین ادراک تازه از موجودیت طبیعی در حقیقت هد به هنرمند به بیننده آثارش است؛ آنجا که در نقاشی هایش گیاه را به عنوان ماهیتی چند بعدی و متکثر به تصویر می‌کشد. گیاهان نقاشی‌های او که گاه در شمایل اندامواره‌های انسانی بر صفحه بوم هایش نقش بسته‌اند، در عین حال واجد خصلت‌هایی بشری به نظر می‌آیند و ابعادی تازه از این وجود نمادین را به مخاطب یادآوری می‌کنند. هنرمند از طریق تکثر بخشیدن به موجودیت نقاشی هایش، انکار دو گانه بزرگ‌تری را بر ما آشکار می‌کند؛ اینکه با عادت واره‌های مان در نگر بستن